

اهداف کودتاگران سوم اسفند 1299 از دیدگاه شهید مدرس

علی وزوایی

<https://psri.ir/?id=dt7tysi0u5>

به قدرت رسیدن رضاخان یک طرح و عملیات کامل استعماری و انگلیسی بود، از واقعیت های بسیار آشکار و ثابت شده تاریخ معاصر ایران است و اکنون همه می دانند که رضاخان، ظاهراً ماجرا محسوب می شد و کودتاگران واقعی که رضاخان را مثل عروسک می چرخاندند، کسانی غیر از لرد ریدینگ (فرمانروای انگلیسی هندوستان و نایب السلطنه انگلیس)، وینستون چرچیل (وزیر جنگ انگلیس)، اردشیر رپیورتر (جاسوس و عامل انگلیس)، آبرون ساید (ژنرال) و... نبودند. گرچه واقعیت های کودتای 1299 اکنون برای همه روشن شده است، ولی در زمان انگلیسی مستقر در ایران وقوع، افرادی که به اصل ماجرا پی برده بودند، به تعداد انگشتان دست نمی شدند. طرح کودتا به قدری مودبانه و سری بود که حتی دولتی مثل اتحاد جماهیر شوروی با آن همه تشکیلات و سازمان های گسترده اطلاعاتی، فریب انگلیس را خورده بود و کمان می کرد رضاخان به اصطلاح یک عنصر انقلابی و میهن دوست است و می خواهد شر انگلیس را از ایران دور کند! می توان ادعا کرد تنها کسی که در آن زمان واقعیت های پنهان کودتای سوم اسفند رضاخان را به طور کامل می شناخت و به ابعاد توطئه های انگلیس در قدرت رساندن رضاخان پی برده بود، شهید آیت الله سیدحسین مدرس بود. به همین دلیل، وی تا پایان عمر دست از مبارزه با رضاخان بر نداشت و سرانجام، جان خود را نیز در این مبارزه از دست داد. گرچه شهید مدرس دل خوشی از سلسله قاجاریه نداشت، ولی هنگامی که احساس کرد استعمار انگلیس قصد دارد، استبدادی به مراتب بدتر و شدیدتر از استبداد قاجاریه در برقرار کند و از طریق رضاخان، همه امور ایران را به طور کامل در دست بگیرد، چنین اندیشید که اگر موقتاً و برای مدتی قاجاریه ضعیف در حکومت بماند، بسیار بهتر از فرمانروایی کسی است که اساس ماموریت مزدورانه اش چپاول ایران و نابود کردن کامل دین و فرهنگ مردم ایران و... است. به عبارت دیگر، شهید مدرس در صدد برآمد دفع افسد به فاسد کند و خطر و زیان بسیار بزرگ را با خطر و زیان کوچک تر دفع نماید. شهید مدرس، رفتن قاجاریه و قدرت گرفتن سلسله پهلوی را یک تغییر و تحول ساده و جابه جایی اشخاص نمی دانست. به همین دلیل به احمد شاه قاجار هشدار داد و گفت: من به این دلیل نمی خواهم سلسله پهلوی جای سلسله قاجاریه را بگیرد که به اقتضای روزگار و در اوضاع و احوال فعلی، مبادی ایمانی ما و مصونیت اجتماعی و سیاسی قوم ایرانی و استقلال و تمامیت ایران در حال حاضر با بقای سلطنت تو گره خورده است. اگر مقصود فقط این بود که تو را از سلطنت بردارند و دیگری را بر تخت بنشانند، من که مدرس هستم، صریحاً می گویم که هرگز با این جریان مبارزه نمی کردم اما اکنون بر من ثابت شده است که می خواهند بزرگ ترین ضربه انتقامی را بر پیکر ایران وارد سازند و انتظام حیات ملی ما را بر هم ریزند و در تمام شعب اجتماعی و سیاسی ایران تغییراتی به وجود آورند و چیزهایی را از ما بربایند که در طول تاریخ و در سخت ترین اوضاع و احوال، ما را از مخاطرات خلاص کرده است. شهید مدرس نه تنها دگرگونی های بسیار مهلک در عرصه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را از اهداف پشت پرده کودتاگران انگلیسی و عوامل آن ها می دانست، بلکه چپاول اقتصادی و به هم ریختن اوضاع اقتصادی جامعه ایران و نابود کردن تکاپوهای ملی و بومی در عرصه اقتصاد را نیز از اهداف کودتاگران می دانست. شهید مدرس در این زمینه مطالب و دیدگاه های مفصلی دارد که خلاصه آن چنین است: دولت های مستعمره جوی اروپا از سه قرن پیش برای استعمار ممالک شرق کمر بستند و اکثر ملل شرق را خواه از لحاظ سیاسی و اقتصادی و خواه از لحاظ اجتماعی به اسارت درآوردند. از میان ملت های آسیای وسطا، قومی که در مقابل مطامع بیگانه مقاومت ورزید و خود را لقمه چرب ولی پر خار و خس نشان داد، ملت ایران بود. بیشتر ملت هایی که در قرن گذشته یوغ بندگی را بر گردن نهادند، اسارت آنها از راه اقتصادیات آغاز گشت. اما ملت ایران به حکم سابقه مدیری که در بازرگانی و تجارت دارد و بنا بر هوشمندی و استعداد ذاتی، تا می توانست و تا برایش ممکن بود از تله های مستعمره جویان گریخت. عجب آن است که ملت ایران در حالی از این تله ها می گریخت که برنامه آن چنانی برای این گریختن نداشت و بدون آن که بداند، از تله ها می گریخت. در این موضوع، همین واقعه رژی و قضیه تحریم تنباکو که به پیروزی ایرانیان منجر گشت کافی است. خلاصه امروز نیز می خواهند همه رشته ها و توانایی های اقتصادی و بازرگانی ما را به دست رضاخان از هم بپاشند... شهید مدرس یکی دیگر از اهداف جنایتکارانه کودتاگران انگلیسی را در قدرت رساندن رضاخان، وارد آوردن ضربه اساسی به ایلات و عشایر می دانست و در این باره می گفت: تخته قاپو کردن یک ایل، به منزله کفوری سخت برای آن ایل است؛ زیرا یک ایل بزرگ در اثر تخته قاپو کردن، 10 تا 12 سال

به کلی از میان می رود. چون ایلی که تخته قاپو شده دیگر چراگاه ندارد و مجبور است گوسفنداش را به قیمت ناچیز بفروشد و خرج زندگی اش کند. بنابراین، وقتی ایل نباشد، لبنیات، پشم، پوست و... هم نیست. اکنون که به بهانه تربیت و آموزش و بهداشت می خواهند ایلات را تخته قاپو کنند، به زودی کار ملت ایران به جایی خواهد رسید که برای شیر و پنیر و پشم و پوست هم دست نیاز به سوی بیگانه دراز کند و به خاطر نیازش گردن کج نماید. اکنون تصمیم دارند با تخته قاپو کردن ایلات، سرچشمه عایدات ما از گوسفند و اسب و... را که تا قلب اروپا صادر می شود، بخشکانند و ما را در همه چیز محتاج بیگانه نمایند... آیت الله مدرس درباره تظاهر کودتاگران به ترقی و نوگرایی نیز پیش بینی های جالبی نمود و سخنانی ابراز کرد که همه آن ها بعد از قدرت گرفتن رضاخان عملی شد. شهید مدرس می گفت: در نقشه ای که برای ایران بینوا طرح کرده اند، نوعی از تجدد به ما داده می شود که تمدن مغربی را با رسواترین قیافه اش به خورد نسل های آینده کشور خواهند داد. قریباً چوپان های قراچینی و کنگاور با فکل و کراوات خودنمایی خواهند کرد، اما در زیباترین شهرهای ایران هرگز آب لوله کشی شده و تمیز برای نوشیدن مردم پیدا نخواهد شد. ممکن است شمار کارخانه های نوشابه سازی روزافزون گردد، اما کوره های گداخت آهن و کاغذسازی و سایر کارخانه های اساسی پانخواهد گرفت. به زودی درهای مساجد و تکایا به بهانه منع خرافات و اوهام بسته خواهد شد، اما سیلی از رمان ها و افسانه های خارجی که در واقع چیزی غیر از قصه حسین کرد فرنگی و رموز حمزه فرنگی نیستند، به وسیله مطبوعات و پرده های سینما به این کشور جاری خواهد شد؛ به طوری که پایه افکار و عقاید نسل جوان و اندیشه های دختران و پسران این سرزمین تدریجاً براساس همان افسانه های پوچ استوار خواهد گشت و مدنیت مغرب و معیشت ملل مترقی را در رقص و آواز و دزدی های آرسن لوپن و بی عفتی ها و مفاسد اخلاقی خواهند شناخت و این چیزها را لازمه تمدن خواهند شمرد... بدین ترتیب، شهید بزرگوار آیت الله سید حسن مدرس، پیش از آن که رضاخان و استعمارگران حامی او چهره واقعی خود را به مردم ایران نشان دهند، اهداف آن ها را شناخت و تا می توانست در این زمینه روشنگری و تلاش کرد ولی به دلیل ناآگاهی و ساده لوحی و ظاهر بینی بسیاری از عموم افراد و جهل افشار سیاسی و فرهنگی جامعه نسبت به توطئه های استعمارگران، این تلاش ها به جایی نرسید و استعمارگران توانستند از طریق سلسله پهلوی، بیش از 50 سال ایران را تحت سلطه خود در آورند. به تعبیر شهید مدرس سستی و اهمال هموطنان کار خود را کرد و تقلاها به جایی نرسید. شهید مدرس: به من ثابت شده است که انگلیس از طریق رضاخان می خواهد بزرگ ترین ضربه را بر پیکر ایران وارد سازد و انتظام حیات ملی ما را بر هم بزند و در تمام شعب اجتماعی و سیاسی ایران تغییراتی به وجود آورد و چیزهایی از ما برباید که در طول تاریخ و در سخت ترین اوضاع و احوال، ما را از مخاطرات نجات داده است. شهید مدرس: در میان اقوام آسیا، ملت ایران از اقوامی است که در برابر مطامع بیگانگان مقاومت ورزیده و نخواست است لقمه چربی برای آن ها بشود. ملت ایران همیشه لقمه پر خار و خس برای بیگانگان بوده و در طول تاریخ از تله هایی که برایش گذاشته اند با اعجاب گریخته است. شهید مدرس: رضاخان با کمک انگلیس می خواهد کاری کند که حتی پنیر و شیر و... نیز نداشته باشیم و به خاطر نیاز، در برابر بیگانگان گردن کج کنیم. به زودی چوپان های ما نیز طبق سیاست رضاخان فکلی و کراواتی می شوند و کارخانه های نوشابه سازی دایر می گردد، ولی زیباترین شهرهایمان از آب لوله کشی بی بهره خواهند بود و کارخانه های اساسی بوجود نمی آورند بزودی درهای مساجد را می بندند ولی سیل افسانه ها و رمان های خارجی را برای بی عفت کردن جوانان وارد خواهند کرد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی